

**پیام مشترک**

**سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران  
به مناسبت اول ماه مه،  
روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان جهان**



شماره ۱۵۱ دوره هشتم  
سال سوم - شماره ۱۳۶۶/۲/۱  
شماره ۲۰ - رسال

کارگران و زحمتکشان ایران!  
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و کمیته مرکزی حزب توده ایران با پرشورترین سلامها و درودها روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی خلل ناپذیر کارگران و زحمتکشان جهان را به شما مبارزان پیکیر و اشتی ناپذیر راه آزادی، استقلال، صلح و

سوسیالیسم صمیمانه شادباش می گویند.  
در کشورهای سوسیالیستی که حکومت در دست کارگران و زحمتکشان قرار دارد، جشن اول ماه مه روز نمایش دستاوردهای عظیم سوسیالیستی پسود صلح و دموکراسی در سراسر جهان است. در اردوگاه بقیه در ص ۲

**اعتراف به  
اعدام زندانیان سیاسی**

ارگانهای سرکوبگر رژیم توطئه سکوت درباره جنایت های هولناکی را که در درون زندانهای رژیم می گذرد، شکستند.  
سال گذشته حزب توده ایران و دیگر سازمانهای مترقی و دموکراتیک طی اعلامیه هائی فجابیحی را که پشت درهای بسته زندانهای رژیم بوقوع می پیوندند و از جمله اعدام جمعی عده ای از زندانیان سیاسی - مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی - را به اطلاع افکار عمومی ایران و جهان رساندند.

اینک که ناراضائی توده های مردم در قبال سیاست ترور و اختناق و نیز فقر و بیکاری و جنگ اوج می گیرد، ارگانهای سرکوبگر برای زهرچشم گرفتن از مردم مجبور به اعلام جنابیتی شده اند که نبردهای مترقی و دموکراتیک آن را فاش ساخته بودند.

مقتدائی عضو و سخنگوی شورای عالی قضائی، در یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیویی - تلویزیونی اعلام کرد که طی دو هفته تعدادی از اعضا "گروهک های ملحد و مفسد ... در تهران و بعضی شهرستانهای دیگر اعدام و بعضی به حبس های طولی مدت محکوم شده اند".  
بقیه در ص ۴

**میخائیل گارباچف:**

**اتحاد شوروی به تولید سلاحهای شیمیایی پایان داد**

نتایج مذاکرات درباره موشکهای ابراتیف - تاکتیکی بر آنست تا با موافقت آلمان دموکراتیک و چکواکی موشک های مستقر در این دو کشور را برچینند. یاد آور می شویم که این موشک ها در پاسخ به استقرار موشک های "پرشینگ - ۲" و بالدار در اروپای غربی در دو کشور نامبرده مستقر شد. کارباچف "کاهش ریشه ای جنگ افزارهای تهاجمی استراتژیکی" را "مسئله اصلی خلع سلاح" خواند و آمادگی سخاوتمندانه اتحاد شوروی در این زمینه بقیه در ص ۶

میخائیل گارباچف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در سخنرانی روز جمعه ۱۰ آوریل خود، در میتینگ بزرگی در برلین پیشنهاد کرد که مذاکرات درباره کاهش و سرانجام نابودسازی موشک های با برد ۱۰۰۰ - ۵۰۰ کیلومتری بهیدرتنگ آغاز شود. به پیشنهاد وی، در دوران مذاکره، شماره موشک های ابراتیف - تاکتیکی نباید افزایش یابد.  
کارباچف اعلام داشت، اتحاد شوروی پس از امضای قرارداد موشکهای میان برد و صرف نظر از

**درگیری**

**بر سر ادامه یا قطع جنگ**

جنگ از خواست خمینی تبعیت می کردند، اینک که شعار صلح و پایان دادن به جنگ در نتیجه کوشش نیروهای مترقی و دموکراتیک به تدریج به شعار اکثریت مردم تبدیل می شود جناحی از حاکمیت به اجبار در جستجوی برون رفت از این بست "جنگ"، جنگ تایید روزی! است.

اغیراً گروههای موتور سوار در خیابانهای تهران به حرکت درآمده و فریاد می زنند: "خمینی صدام را ببخش" و "ما از خون شهیدان گذشتیم، خمینی صدام را ببخش". این خلاصه خبری است که بدست ما رسیده است.  
ترددیدی نیست که این موتور سواران با بقیه در ص ۶

ناکامی های بی دریغی عملیات "سرشوت ساز" رژیم در جبهه های جنگ، تلفات عظیم جانی و ویرانیهای ناشی از کشاندن شدن جنگ به شهرها، ورشکست اقتصادی و مالی همراه با تشدید ناراضائی های توده های میلیونی مردم و تسریع رویگردانی آنها از رژیم ضد خلقی ج.ا. بجائی رسیده که مسئله پایان دادن به جنگ حتی در سطح هرم حاکمیت مطرح می شود. اگر تا چندی پیش جناحهای مختلف در حاکمیت در زمینه ادامه

**شکنج در جمهوری اسلامی و در دیگر کشورها**

اسلامی به کوشش رسیده باشد (و نمی تواند رسیده باشد، زیرا در ایران کنونی بسیاری از خانواده ها را می توان یافت که دست کم یکی از اعضایش در اسارت درخیمان ج.ا. باشد و یا یکی از بستگانش طعم ضربات شلاق تعزیرگران رژیم را به پهانه های پیش یا اقتاده چشیده باشد) از خود می پرسد این فریاد "آی شکنجه گر" شکنجه گران به چه منظور است؟ چرا اینان که بقیه در ص ۵

اگر برنامه های خبری صدای جمهوری اسلامی را گوش کنید و یا روزنامه های مجاز را ورق بزنید، بطور منظم با اخباری پیرامون شکنج در دیگر کشورهای جهان روبرو می شوید. یک روز خبر از شکنج "مبارزان مسلمان" در زندانهای عراق و مصر و تونس و اندونزی می دهند و روز دیگر در کویت و اردن و مراکش و مالزی.  
هر کسی که اخبار مربوط به شکنج های وحشتناک غیرانسانی در زندانهای جمهوری

**در صفحات بعد**

- \* رهنمودها و شعرهای
- کمیته مرکزی حزب توده ایران
- به مناسبت اول ماه مه ص ۲
- \* به کنگره ۲۸ حزب کمونیست دانمارک ص ۸
- \* اخراج پناهندگان سیاسی و محکوم می کنیم ص ۷
- \* نامه ای از ایران ص ۴

**پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!**

## پیام هشتم

سرمايه داری، کارگران و زحمتکشان روز اول ماه مه را زیر شعارهای صلح و دموکراسی و سوسیالیسم علیه امپریالیسم و استثماربرگزار می کنند.

در جمهوری اسلامی که رژیم پادشاه سرمايه داری وابسته با خصوصیت خودکامگی قرون وسطائی است، مانند دوران شاه از برکزاری این جشن توسط کارگران بشدت جلوگیری می شود. دلیل این مخالفت دشمنی آشکار سران جمهوری اسلامی با آزادی و حقوق کارگران است. بی جهت نیست که با گذشت هشت سال از انقلاب شکوهمند بهمین، نه تنها کوچکترین گامی در جهت بهبود وضع کارگران برداشته نشده، بلکه بسیاری از دستاوردهای صنفی آنان، که طی سالها مبارزه\* پیگیر و خونبار بدست آمده بود، آشکارا لگدمال و به فراموشی سپرده شده است.

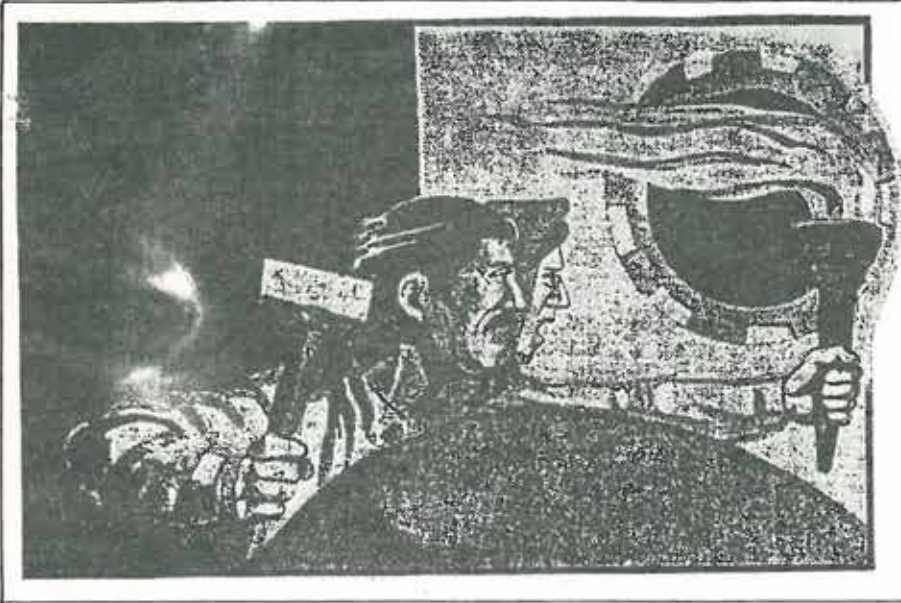
رژیم برای پایمال کردن حقوق کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان و تحمیل ادامه\* جنگ، بیکاری، فقر و دودری به آنان از همان نخستین سالهای انقلاب به دشمنی با نیروهای انقلابی و احزاب و سازمانهای مترقی و دموکراتیک کشور پرداخت. یورش وحشیانه به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بیانگر ماهیت سرکوبگر رژیم و ستیز کین توزانه\* آن با آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک کارگران و زحمتکشان میهن ماست.

رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی در دشمنی آشکار با تشکلهای مستقل کارگری و منع فعالیت سندیکاها و کنترل شدید کارگران بوسیله\* نهادهای سرکوبگر، عملاً کارگران میهن ما را از داشتن وسایل دفاعی در برابر تعدیات و زورگوییهای کارفرمایان محروم کرده است. در جمهوری اسلامی هیچ قانون و مرجع قانونی برای دفاع از حقوق کارگران وجود ندارد.

مبارزات کارگران برای خاتمه\* جنگ ویرانگر و خانمانسوز، جلوگیری از تعطیل کارخانهها، راه اندازی واحدهای از کار افتاده، ممانعت از باز خرید و اخراج کارگران و نیز مبارزه\* آنان برای حقوق مطالباتی چون افزایش متناسب دستمزدها، اجرای طرح واقعی طبقه بندی مشاغل و بهبود شرایط کار و رفاه اجتماعی بشدت سرکوب می شود. سهامچالهای رژیم ملو از کارگران مبارز و معترض و مدافعان پیگیر حقوق صنفی و سیاسی آنان است.

تعطیل بسیاری از واحدهای مهم تولیدی و تعویض بسیاری از خطوط تولید برای مقاصد نظامی و جنگی و نیز اجرای سیاست ضد انسانی "کم کردن نان خورها" موجب افزایش هر چه بیشتر صفوف ارتش عظیم بیکاران شده است.

رژیم ج. ا. بنا بر سیاست اقتصادی و اجتماعی ضد دموکراتیک و ارتجاعی خود امنیت شغلی را از کارگران و زحمتکشان سلب کرده است. در شرایط کنونی تهدید به بیکاری به حربه\* تدارک گوشت دم



در مرحله\* کنونی مبارزه با رژیم کارگر ستیز ولایت فقیه عبارتند از: قطع فوری جنگ خانمانسوز، آزادی زندانیان سیاسی، تأمین آزادیهای دموکراتیک، برسمیت شناختن سندیکاها و اتحادیههای مستقل کارگران، تدوین قانون کار و قانون تأمین اجتماعی مترقی با شرکت نمایندگان واقعی کارگران، افزایش دستمزدها متناسب با هزینه\* زندگی، اجرای طرح مترقی طبقه بندی مشاغل، تأمین بهداشت و درمان و آموزش رایگان، تأمین مسکن مناسب و توسعه\* تعاونیهای مسکن و مصرف کارگری.

پیروزی در راه تأمین این خواستها به میزان شکل و سازمان یافتگی شایستگی دارد. با حمایت از گردانهای پیشاهنگ طبقه\* کارگر ایران صفوف مبارزه جویانه\* خود را در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به خلق تقویت کنید.

## کارگران و زحمتکشان!

بار دیگر فرارسیدن اول ماه مه را به شما اردوی کار و زحمت صمیمانه تبریک گفته و برای شما پیروزی در پیکار علیه این رژیم مرتجع و جنگ طلب آرزو می کنیم. نیروی عظیم و ظرفیتون اتحاد شما توده های رنجبر، سرانجام پیروزی و رفاه را از آن خلق ستم دیده\* ما خواهد کرد. نظام منحل سرمايه داری را به گور خواهد سپرد و فردای روشن صلح و آزادی را بر فراز میهن ما نور افشان خواهد ساخت.

فرخنده باد جشن اول ماه مه!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

پیروز باد مبارزه\* کارگران و زحمتکشان ایران!

کمیته\* مرکزی حزب توده\* ایران

کمیته\* مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

فروردین ۱۳۶۶



توب از میان کارگران و فرونشاندن جنبش اعتراضی و اعتصابی آنان بدل شده است.

سیاست رژیم و در رأس آن جنگ مهمترین عامل تخریب وضعیت اقتصادی، مسبب اصلی تعطیل کارگاهها و کارخانهها و اخراج های بی سابقه، عامل تهدید زندگی خانوادگی و عامل از خود بیگانگی و قیامی ارزشهای معنوی جامعه است.

## کارگران و زحمتکشان قهرمان ایران!

می توان و باید به جنگ خانمانسوز پایان داد و از کشتار فروتنر نوجوانان و جوانان، ویرانی بیشتر کشور، تشدید بیکاری و فقر و پریشانی بیش از پیش خانوادهها جلوگیری کرد و با خاموش کردن آتش جنگ به صلح منطقه و جهان کمک کرد.

باید در آستانه\* اول ماه مه با تجدید نیرو و تکیه بر تحکیم اتحاد بین کارگران واحدهای مختلف تولیدی، کارگران بیکار و اخراجی و دیگر زحمتکشان و کاربرد شیوههای مختلف مبارزه مانند کم کاری، تحصن، اعتصاب، اعتراض و تظاهرات، ماشین جنگی رژیم را از حرکت بازداشت. در این مبارزه همه\* نیروهای مترقی و صلح دوست جهان یار و مددکار شاه هستند.

## کارگران و زحمتکشان ایران!

رژیم کارگر ستیز ج. ا. در یک سال گذشته تلاش فراوان کرد با استفاده از شرایط جنگی و نهادهای تفرقه انداز و سرکوبگر مانع از رشد جنبش کارگران میهن ما در دفاع از حقوق خود گردد. اما این تلاشها با مقاومت و مبارزه\* کارگران مواجه بوده است.

اعتراضات فزاینده\* کارگران علیه سیاست باز خرید و اخراج ها و مراجعات دسته جمعی آنها به ارگانهای حکومتی برای دفاع از حق کار و حفظ شغل موجب گردید که رژیم در بسیاری موارد در برابر اعتراض و مبارزه\* کارگران به عقب نشینی تن دهد.

## کارگران و زحمتکشان ایران!

مهمترین خواستهای سیاسی، صنفی و رفاهی شما

## کارگران و زحمتکشان ایران!

در آستانه\* روز جهانی کارگر، پیکار در راه پایان بخشیدن به جنگ امپریالیسم برافروخته را تشدید کنید!

## رهنمودها و شعارها به مناسبت

### اول ماه مه، روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان

#### جهان

\* جنگ برای زحمتکشان جز ویرانی، بیکاری و گشتاز زه آورده دیگری ندارد و باید پیدرتنگ به آن پایان داد!

\* با خودداری از رفتن به جبهه‌های بی‌پایان جنگ و مخالفت با کسب دستمزدها ناچیز خود، از ادامه گشتار و ویرانی جلوگیری کنید!

\* با تشکیل کمیته‌های ضد جنگ مبارزه علیه جنگ امپریالیسم پرافروخته ایران و عراق را سازمان دهید!

\* صلح عادلانه خواست همه زحمتکشان ایران است.

\* زنان کارگر جبهه‌ها را تحریم کنید و از اعزام فرزندان و شوهرانتان بسوی مرگ و نیستی جلوگیری کنید!

\* با نظامی کردن خط تولید کارخانه‌ها مخالفت خود را گسترش دهید! با کم کاری و اعتصاب این سیاست ایران پرهادده رژیم را با شکست روبرو سازید!

\* افزایش ناچیز حداقل دستمزدها در سال ۶۶ به هیچ روی پاسخگویی رشد سرسام آور هزینه‌های زندگی نیست.

\* خواهان افزایش دستمزدها متناسب با افزایش هزینه زندگی شوید!

\* با بسته شدن کارخانه‌ها و اخراج‌های بی‌رویه و خودسرانه، همچنان کارگران و زحمتکشان بیشتری به سیاه عظیم بیکاران می‌پیوندند.

\* علیه سیاست تعطیل کارخانه‌ها و اخراج‌ها و بازخریدهای فردی و جمعی مبارزه کنید!

\* اتحاد کارگران و زحمتکشان شاغل و بیکار می‌تواند مانع اخراج‌های بیشتر شود و زمینه را برای ایجاد انستیت شغلی فراهم کند.

\* علیه سیاست سیردن مؤسسات ملی شده به بخش خصوصی، تحت عنوان "سیردن کار مردم به مردم" و بازگرداندن آنها به صاحبان قبلی‌شان مبارزه کنید!

\* قانون دست و پا شکسته بیمه بیکاری پاسخگویی خواست طبقه کارگر نیست.

\* بیمه بیکاری باید همه زحمتکشان را دربرگیرد!

\* علیه سیاست خصوصی کردن سیستم آموزشی که به آموزش فرزندان زحمتکشان لطمه می‌زند، بزمید!

\* به کار کودکان و نوجوانان باید پایان داد! جای آنان پشت میزهای مدرسه است.

\* در راه بهبود شرایط کار و زندگی باید بیکار کرد!

\* حق هر کارگر است که از مسکن مناسب و ارزان برخوردار باشد.

\* خواستار ساختن خانه‌های ارزان قیمت، تامین زمین و وام و مصالح ساختمانی برای تعاونی‌های مسکن کارگری شوید!

\* بخواهید تا سهمیه تعاونی‌های مصرف کارگران افزایش یابد و کالاهای مورد نیازتان با کیفیت مطلوب به تعاونی‌ها تحویل داده شود!

\* با اخراج زنان کارگر و تبعیض نسبت به آنان در محیط کار مبارزه کنید!

\* باید زنان کارگر از حقوق یکسان با مردان برخوردار شوند!

\* در واحدهای تولیدی و خدماتی باید تسهیلات ویژه‌ای از جمله مهد کودک برای زنان فراهم گردد!

\* بدون تشکیلات منسجم و مبارزه سازمان یافته صنفی و سیاسی نمی‌توان از حقوق اجتماعی طبقه کارگر دفاع کرد. - برای دفاع از حقوق صنفی خود سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل ایجاد کنید!

\* فعالان صنفی و کارگران پیشرو و با تجربه وظیفه دارند برای رهبری مبارزه روزمره کارگری هسته‌های صنفی مخفی تشکیل دهند.

\* در مبارزه علیه عوامل سرکوب کارگران و زحمتکشان در واحدهای کار از پانشتینید!

\* فقط قانون کاری که با مشارکت نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان تدوین شود می‌تواند حافظ منافع شما باشد.

\* علیه کوشش‌های ضد کارگری رژیم برای تصویب قانون کار ارتجاعی و دیگر قوانین ضد کارگری متحداً مبارزه کنید!

\* از مبارزه دیگر اقشار و طبقات زحمتکش جامعه، بویژه دهقانان بی‌زمین و کم زمین و همچنین آنان که در پراپرپازیس گیری زمینها ایستادگی می‌کنند حمایت کنید!

\* بحران اقتصادی و ورشکستگی مالی رژیم موجب افزایش سرسام آور هزینه زندگی شده است.

\* مگذارید فشار ناشی از گرانی و کسری بودجه پر دوش شما سنگینی کند!

\* با سیاست "صرفه جویی" رژیم مقابله کنید!

\* تعداد زیادی از کارگران آگاه و انقلابی همراه با دیگر نیروهای مبارز جامعه در زندانهای رژیم زیر شکنجه‌های شدید پسر می‌پرند. این فرزندان پاکبخت خلع با اعتصاب غذای قهرمانانه خود آماج کینه حیوانی رژیم شده‌اند.

\* برای آزادی و نجات جان زندانیان سیاسی مبارزه کنید!

\* روز اول ماه مه را به روز مبارزه در راه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی تبدیل کنید!

\* حمایت از خانواده زندانیان سیاسی یک وظیفه انسانی و انقلابی است.

\* در راه برخورداری خلقهای ایران از حقوق ملی بطور متحد و بیکار بیکار کنید!

\* امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران و جهان است.

\* کوشش رژیم برای گسترش روابط مخفی با آمریکا و اسرائیل و از جمله دریافت اسلحه از آنها را افشا کنید!

\* همسویی سیاست رژیم و سازمان جاسوسی آمریکا علیه مردم افغانستان را رسوا سازید!

\* اول ماه مه، روز همبستگی بین المللی کارگران باید تعطیل رسمی اعلام کرد!

\* برگزاری آزادانه جشن اول ماه مه خواست همه کارگران و زحمتکشان است.

\* کارگران و زحمتکشان ایران! به حزب توده ایران، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران بپیوندید!

\* زیردوش حزب توده ایران در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بیکار کنید!

\* زنده باد اول ماه مه، روز همبستگی رزمی کارگران و زحمتکشان جهان!

\* پرتوان باد مبارزه جهانی کارگران در راه صلح و خلع سلاح!



کارگران مبارز! برای دستیابی به خواسته‌های صنفی و سیاسی خود، تشکیلات و متحد شوید!

## نامه‌ای از ایران

## در این شهر جنگ زده

از تهران و شیراز و اصفهان در مجموع حدود ۲۰ پزشک به خوزستان اعزام شده بود. ما در بیمارستان راه آهن در اندیشک مستقر شدیم و قرار بر این شد که در درمانگاه اورژانس (تنها قسمت بیمارستان که دایر بود) شروع به کار کنیم.

شبهات و روزهای اپری در مانگاه اورژانس شلوغ تر است چون مردم از روستاها و بیابانهای اطراف به شهر می‌آیند. از اول جنگ تاکنون بهاران چهارم آذر در اندیشک بیسابقه بوده است. بهاران ایستگاه راه آهن کشتار زیادی در میان پیچی ها و سربازان بهار آورد. همه جا صحبت از این بهاران است که حدود یکساعت ادامه داشت. هواپیماهای عراقی بالای شهر پرواز می‌کردند. بهاران کاملاً دقیق و حساب شده بود. ایستگاه راه آهن، مخابرات و پایگاه هوایی. پنا به گفته‌ای تنها در میدان راه آهن حدود ۲۰۰ نفر کشته شدند. رادیو کل تلفات را ۷۰ نفر اعلام کرد. هنوز وحشت از بهاران مجدد بر شهر حاکم است. عده زیادی بعد از این بهاران در بیابانها و دهات اطراف زندگی می‌کنند. هنگام صاف بودن هوا مردم نگرانند که عراق دوباره شهر را بمباران کند. دکترهای خارجی از روز بعد از بمباران دیگر سر کار خود نیامده‌اند و شهر را ترک کرده‌اند. بیمارستان میان مقر سپاه در راه آهن قرار دارد که جای خطرناکیست. یک نوع بی‌نظمی و بی‌قیدی در همه جا و همه امور به چشم می‌خورد. مردم عصبی هستند و خشم در چهره‌هایشان احساس می‌شود. آمار تصادفات در شهرها و اطراف آن بسیار بالاست. یکی از دلایل عمده این تصادفات اضطراب و حالت عصبی مردم است.

در میانی پوس مردی ۵۵ ساله و آذری زبان کنارم نشسته بود. او قزوینی بود. دو هفته بود که در منطقه در جستجوی پسرش بود و هنوز او را پیدا نکرده بود. شنیده بود که واحداش در منطقه چنگی در حدود کرخه است. اما نمی‌گذاشتند که به منطقه برود. می‌گفت اگر بدون دیدن پسرم برود، چوای زخم را چه پدم؟ ۷۰ روز است که پسرم نامه نداده است. شبهات او را در خواب می‌بینم. اسم پسرم حسن است و یکشب از خواب پریدم دیدم زخم فریاد می‌زند: حسن! حسن! صبر کن بیایم در را باز کنم. گفتم زن! بخواب! حسن کجا بود. و سپس با حالت ناراضی گفت: "خدایا هر کس باعث این وضعیت شده ریشه اش را بکن! آخر ما دو ملت مسلمانیم. مگر چندتا قرآن داریم؟ این بچه‌ها باید عصای دست ما باشند، ما چگونه میتوانیم شاهد مرگ و از میان رفتن آنها باشیم؟"

شنیدم یک گروه ۶ نفره از پزشکان که بعد از ما به آبادان اعزام شده بودند با بهاران شیمیایی مجروح شده‌اند و چراح گروه کشته شده است.

نگرانی از بهاران منظره بسیار رقت انگیزی است و عده‌ای را می‌بینی که با یک پتو و یک چراغ علاءالدین به طرف بیابان می‌روند. در این شهر جنگ زده طی ۷ سال جنگ مداوم کوچکترین امکانات ایمنی برای مردم فراهم نشده است. در اینجا هیچ مسئولی برای خود وظیفه اجتماعی قائل نیست. هرکس به فکر حفظ جان و منافع خودش است. مردم به حال خود رها شده‌اند. اغلب شبهات در بیابان پسر می‌پزند. وحشت از مرگ بصورت هیولائی حاکم است. مردم از جنگ نفرت دارند. اگر هم کسی طرفدار تصرف پسره است، با امید پایان جنگ است.

بیماریها اغلب در ارتباط با عوارض ناشی از جنگ است. مادرها از ترس و حالت اضطراب فرزندانشان شکایت دارند. یکبار بعد از حمله عراق، زنی را آوردند که همزمان با خاموشی از وحشت بهاران خونریزی معده پیدا کرده بود. یکی دیگر از مراجعین دختر ۵ ساله‌ای بود که می‌گفت: آقای دکتر، روزی سه بار می‌لرزم. گفتم تب هم می‌کنی، یا صدای هواپیما را که میشنوی می‌لرزی؟ گفت، نه، صدای هواپیما می‌آید می‌لرزم. اگر چار پار هواپیما بباید چار پار می‌لرزم. یک دختر ۱۲ ساله عقب افتاده را هم آورده بودند که سه سال قبل بر اثر زهره‌ای به چمچه، هنگام بمباران آسیب مغزی دیده بود.

در بیمارستان و داروخانه ما دارو به اندازه کافی نیست و گاه برخی از بیماران به این دلیل می‌میرند. بیمارستان های اهواز اغلب برای بیماران غیر نظامی جا ندارند و به این علت بیماران که احتیاج به مراقبت شدید دارند اغلب پذیرفته نمی‌شوند. و سرنوشتی جز مرگ در انتظارشان نیست. مراجعین افغانی هم داشتیم که ۶ ماه آموزش نظامی دیده‌اند. بعد اسلحه بدست گرفته و برای جنگ به افغانستان می‌روند.

کمی هم از وضع عمومی منطقه پگویم. برخی مهاجرت کرده‌اند و عده‌ای هم که امکان مهاجرت ندارند شب را در بیابانها می‌گذرانند. گاهی نان پیدا نمی‌شود. کرایه اتاق در دهات اطراف برای حدود ۱۵ - ۱۰ روز، دو هزار تومان شد. در صورتی که قبل از اوچگیری حمله هزار تومان بوده. تنها دکه‌ها و چندتایی مغازه‌ها باز هستند که در ارتباط با مایحتاج افراد نظامی‌اند. خیلی از کافه‌ها، سیکار فروشی‌ها، فتوکپی‌ها و بقیه مغازه‌ها تعطیل‌اند. کشاورزی رونق ندارد. تنها کشت خیار و گندم دیم آنها بدون پذیر مناسب با خاک همچون طلای خوزستان و وسعت و همواری اراضی آن. انسان تا مناطق جنگی را از نزدیک نبیند، نمی‌تواند عواقب و عوارض نفرت انگیز، چنایتکارانه و ضدپشری جنگ را لمس کند. فساد و فحشا، رشوه خوری، پیکاری، پیکاری، دزدی، خشونت و ناپودی انسانها. اینها است نعمت‌های جنگ و دیگر هیچ.

زمان کار حتی در زمینه‌های جزئی و کم اهمیت بدست مار خورده و افعی شده‌های مصلحت اندیش افتاده و نیروهای صادق مذهبی فقط یکجا می‌توانند خودی بنمایانند و آن کوره‌های مرگ و چپه‌های بی‌پارکشت جنگ است که همچون

## اعتراف به اعدام زندانیان...

مقتدائی وابستگی سازمانی و تعداد اعدام شدگان را اعلام نکرد. اما سه می‌دانند، در قاموس ارگانهای سرکوبگر رژیم، "ملحد" و "مفسد" به احزاب و سازمانهای اطلاق می‌شود که در راه آزادی و سعادت توده‌های محروم و زحمتکش مبارزه کرده و می‌کنند. بموجب اخباری که ما بدست آورده‌ایم، تعداد اعدام شدگان فقط در اوایل اسفند ماه سال گذشته به ۲۰ نفر بالغ می‌شود.

سختگوی شورای عالی قضائی رژیم که خبر این جنایت هولناک را در اختیار خبرنگاران می‌گذاشت، از اعلام نام اعدام شدگان و "جرم" آنان خودداری کرد. وی همچنین تکلف که کی و کدام دادگاه طبق کدام موازین قضائی و حقوقی این جنایت را مرتکب شده است. سختگویان رژیمی که این چنین بی‌محابه ابتدائی‌ترین حقوق بشری را لگدمال می‌کنند، چگونه بخود اجازه می‌دهند که از وجود "آزادی" درج ۱۰۰ سخن گویند؟

این چگونه آزادی است که انسانها را بدون کوچکترین مجوز قانونی، حتی بدون مراعات اصول قانون اساسی که خود تدوین و تصویب کرده‌اند، نخست دستگیر و روانه سیاهچالهای می‌کنند و سپس با بهره‌گیری از وحشیانه‌ترین شکنجه‌های فاشیستی در "دادگاههای" در بسته، بدون آنکه به آنها حق دفاع بدهند، محکومشان می‌کنند و بدست جوخه‌های اعدام می‌سپارند و تازه پس از گذشت زمان، در قالب جملات کلی و غیر مشخص، جنایت تحق یافته را اعلام می‌کنند.

خطر مرگ همچنان زندگی صدها زندانی سیاسی را تهدید می‌کند. سلولهای انفرادی بار دیگر انباشته از مبارزان سرخست راه سعادت خلق است. شکنجه جسمی و روانی در زندانها بیداد می‌کند. بدی تغذیه و عدم مراعات بهداشت موجب شیوع انواع بیماریها در میان زندانیان سیاسی شده است. علاوه بر شکنجه، بیماری "سرطان" گروهی از مبارزان در بند را یکی پس از دیگری از پای در می‌آورد. در دو سال اخیر چهار نفر از اعضای حزب توده ایران بر اثر این بیماری جان سپرده‌اند. تعدادی از زندانیان سیاسی "مفقود" شده‌اند و هیچگونه خبری از آنها نیست. با وجود خواست مکرر خانواده‌ها و نیز اصرار حزب ما، تا کنون سردمداران رژیم خبری درباره سرنوشت رفقا رحمان هاتفی (مهرگان) و عبدالحمین آگامی که مدتهاست "مفقود" شده‌اند، منتشر نساخته‌اند. اخبار رسیده حاکی از کشته شدن رفقا علی گلایو و کاکیک آوانسیان در نتیجه شکنجه‌های فاشیستی است. در این مورد نیز ارگانهای سرکوبگر سکوت اختیار کرده‌اند.

ما، جنایت رژیم درباره کشتار جمعی زندانیان سیاسی را شدیداً محکوم می‌کنیم و از همه نیروهای مترقی و دمکراتیک در داخل کشور و نیز از نیروهای آزادیخواه در سراسر جهان می‌طلبیم که علیه این جنایت هولناک اعتراض کنند. جان زندانیان سیاسی مبارزان راه سعادت خلق در خطر جدی است. مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی را باید تشدید کرد و از همه امکانات در این راه بهره گرفت. این وظیفه انسانی همه نیروهای بشردوست و آزادیخواه است.

تنوره آسیا، انسانها و مواهب طبیعی را می‌بلعد و زیر سنگهای له‌کننده خود خورد و نابود می‌کند.

## شکنجه در جمهوری

خود همه اصول پذیرفته شده اخلاقی در مناسبات میان انسانهای متدین را زیر پا گذاشته اند و می گذارند و هولناک ترین شکنجه های "کلاسیک" و "مدرن" را علیه زندانیان سیاسی بکار می گیرند و تا بحال صدها نفر را فقط هنگام اجرای "حد شرعی" و "تعزیز"، زیر شکنجه های قرون وسطایی و یا بر اثر خوراندن انواع داروهای روانگردانی و سرطان زا کشته اند و با زدن چشم بند دائمی و پخش گوشخراش مراسم نوحه خوانی ده ها زندانی را کور و روانی کرده اند، این همه پیرامون شکنجه در دیگر کشورها داد سخن می دهند؟

براستی سران جمهوری اسلامی با براه انداختن سر و صدای مداوم در مورد شکنجه در سایر کشورها و سکوت درباره شکنجه های بسیار غیر انسانی تری که خود بنام "تعزیز شرعی" و "حد الهی" آن را مجاز می شمارند چه هدفی را دنبال می کنند؟ دفاع از حقوق زندانیان سیاسی در دیگر کشورها و یا لوث کردن اعمال ضد انسانی خویش؟

بیگمان وجدان ناپاک و دست های خونین گردانندگان جمهوری اسلامی که مسئولیت شکنجه و قتل دهشتناک هزاران ایرانی را بکردن دارند، انگیزه ایست که خواه ناخواه وادارشان می کند با ترفند نشان دادن دستهای خونین سایر شکنجه گران بکوشند نگاهها را از خود به جاهای دیگر معطوف سازند.

اما باید گفت که واقعیت وجود شکنجه در دیگر کشورهای اسلامی و غیر اسلامی به زحمت می تواند چهره بسیار زشت تر و بیش مانده تر شکنجه در زندانهای جمهوری اسلامی و مقیاس بسیار بزرگتر آن را پنهان نگاه دارد.

در این راستا، از مقایسه میان رفتار با زندانیان زیر شکنجه و تزیین در جمهوری اسلامی و دیگر کشورها می توان به این نتیجه رسید که چندی نظیر زندانهای جمهوری اسلامی ایران کتبر یافت می شود.

بگذارد از خبری که صدای ج.ا. در مورد شکنجه در زندانهای کویت پخش کرد شروع کنیم. در این خبر گفته شد: "مسلمانان زندانی کویت که روز شنبه گذشته برای محاکمه به دادگاه علنی برده شده بودند ضمن رد تمامی اتهامات ... شکنجه های وحشیانه توسط مقامات امنیتی علیه زندانیان را فاش کردند، در جریان این محاکمه علاوه بر زندانیان بعضی از وکلای دادگاه نیز شکنجه های اعمال شده بر زندانیان مسلمان کویتی را به تفصیل بیان نموده ضمن اعتراض به اینگونه اعمال، گرفتن اعتراف از متهمین به زور شکنجه را محکوم کردند... یکی از زندانیان مسلمان با رفتن به صحن دادگاه انگشتان خود را که ناخنهایش کشیده شده به خبرنگاران نشان داد و اعلام کرد: بازجویان کویتی ما را به زیر شدیدترین شکنجه ها قرار دادند تا ما به اکاذیبی که آنان می خواستند اعتراف کنیم."

در این خبر چند نکته مهم در مقایسه با

دادگاههای "شرع" در ج.ا. جلب توجه می کند. اولاً محاکمه در کویت در دادگاه علنی با حضور خبرنگاران و وکلای مدافع بوده و ثانیا هم متهمان و هم وکلا می توانسته اند در دادگاه مرچه دلشان می خواهد بگویند تا خبرنگاران آنها را به سراسر جهان مخابره کنند. حال این وضع را با پیدادگاههای "شرع" در ج.ا. مقایسه کنید که آخوندی بعنوان رئیس دادگاه و دادستان به تنهایی آنجا نشسته و در غیاب وکیل مدافع و خبرنگاران و تماشاچیان پس از یک "سین - جیم" چند دقیقه ای، بسته به اینکه سرحال باشد یا نه، برای متهم چکم اعدام صادر می کند و یا به حبس طولی المدت محکومش می سازد.

زندانهای کویتی انواع شکنجه هایی را که متحمل شده بودند به تفصیل بیان کردند، اما هیچ یک از آنان نگفت که مانند زندانهای جمهوری اسلامی، ماهها چشماش را با چشم بند آلوده بسته اند، چیره روزانه شلاق با کابل سیمی داشته اند، به او شوک الکتریکی داده اند، عده ای "پازجو" او را همراه با فحاشی زیر مشت و لگد له کرده اند، به او دستبند قبایض زده و دستهایش را شکسته اند، او را به نحوی که تنها نوک پایش به زمین پرسد آویزان کرده اند، هنگام احتیاج نگذاشته اند به توالت برود، داروهای روانگردانی و سرطان زا به او خوراندند، به خانواده اش مستهجن ترین توهین ها را روا داشته اند و ...

براستی در کدامیک از کشورهای جهان می توان یک زندانی را جلوی چشم زن و فرزند از خانه اش دزدید و سپس منکر وجود او در زندان شد و مرتب به همسرش تلفن کرد و سراغ او را گرفت؟ غیر از شکنجه گاههای ج.ا. در کجا می شود ماهها زندانی را با چشمان بسته در سلول نشاند و چشش را کور و خودش را روانی کرد و وقتی معلوم شد که زندانی مبتلا به سرطان چشم شده و مردنی است شبانه او را به نزدیکی خانه اش برد و رها ساخت تا در خانه بمیرد؟ تنها در ج.ا. است که می توان زندانی را زیر شکنجه کشت و سپس از خانواده اش تعهد کتبی گرفت که اعلام کند او بر اثر سرماخوردگی و یا خونریزی داخلی فوت شده است و چون نامسلمان و ضد ولایت فقیه بوده است و لاشه اش در "لعنت آباد" دفن گردیده حق برگزار کردن هیچگونه مجلس یادبودی را ندارند و گرنه همان بلایی را که به سر زندانی آورده اند بر سر اعضای خانواده اش نیز خواهند آورد، تهدیدی که در جمهوری اسلامی توخالی نیست.

در حکومت فاشیستی شیلی که در سراسر جهان به زیر پا گذاشتن ابتدایی ترین موازین حقوق بشر شهرت دارد، وقتی شخصیتی مانند کلود میرو آمبیدا را دستگیر و تعهد می کنند لاقل او را در تبعیدگاه آزاد می گذارند زیرا به هر حال حساب و کتابی، هر چند فاشیستی، وجود دارد. اما در ج.ا. که در قانون اساسی اش سیاه روی سفید نوشته شده است که شکنجه کردن زندانی ممنوع است و اعترافات گرفته شده زیر شکنجه کوچکترین ارزشی ندارد، نه تنها شکنجه کردن زندانیان به منظور "اعتراف" گیری بگونه ای گسترده مورد

شرعی از یک توده ای دربند

## دخترم گریه مکن

دخترم گریه مکن  
ما در این راه پراز کربز و کراز و سرما  
چشم امید به لبخند شما دوخته ایم  
و در این نیمه شب قیراندود  
که ره و پام و در انباشته از لاشخور و کفتار است  
به بهار گل سرخ و فلق آذین سحرگاه نظر دوخته ایم.

دخترم گریه مکن  
من و تو عاقبت این سد جدایی و فراموشی را  
زیر پا می شکنیم  
کینه را در قفس سینه نگهدار که سرما سخت است  
آتش کینه ترا گرم نکمیدارد.

شب سیاه است و خطرناک  
هیچ آتش مفروز  
نور امید تو را از خطر آسوده و محفوظ نکمیدارد  
لب لرزان به گل خنده پیارای که لبخنده تو  
تا رهایی ز قفس  
من و یارانم را  
شاد و پر شور نکمیدارد.

استفاده قرار می گیرد، بلکه بر پایه "اعترافات" گرفته شده زیر شکنجه تا بحال صدها زندانی را بدون محاکمه واقعی محکوم به اعدام کرده و کشته اند.

در شکنجه گاههای ج.ا. هر وقت که در پیرون از زندان خبری بشود و یا لازم ببینند از زندانیان زهر چشم بگیرند، دهها زندانی را جدا می کنند و آنان را به چوخه اعدام می سپارند. چنین چنایاتی را حتی در زندانهای نژادپرستان آفریقای جنوبی نیز نمی توان مشاهده کرد. آن چنایان نژادپرست لاقل خود را مظهر غضب "الله" نمی دانند و یا سخگوی اعمال خویش اند، در حالی که در جمهوری اسلامی، حکام "شرع" نظیر آیت اله گیلانی، حجت الاسلام غفاری و حاج آقا اسدالله لاجوردی و نظایرشان خود را میرغضب "الله" می دانند، هر چه خواهند می کنند و در برابر هیچ کس مسئول نیستند.

"شکنجه"، این یادگار شوم دورانهای گذشته هنوز هم در جمهوری اسلامی مهمترین ابزار "تربیت و بازسازی" بشمار می آید، این را بدون هیچ شرم و حیایی بر مناظر می گویند و در نشریات می نویسند.

روزنامه "رسالت" در شماره ۱۸ دی ماه ۱۳۶۵ چنین نوشته:

"وقتی دل را در کلاس دین نشانندیم سبک سر می شود، می نازد. و گاهی خانه پرانداز می شود. برای دل زمانی فرامی رسد که "درس ادیب" کاری از پیش نمی برد و چوب استاد را باید چایگزین مهر و محبت پدر کرد. اگر روحی از کلاس فطرت گریخت و سخنان گرم "قرآن و سنت" را نادیده گرفت در این حال تعزیر و زندان پرایش کار صد درس اخلاق را می کند..."

"رسالت" نکته ناگفته ای باقی نگذاشته است.



از مین  
در بند

به مامی نویسند

### ساواکی سابقه دار در خدمت رژیم

سرهنگ بهرام پور، عضو ارشد ضد اطلاعات و یکی از مسئولان ساواک شاه، قریب سه سال است که با سمت فرمانده ژاندارمری کردستان بخدمت جمهوری اسلامی درآمده است. نامبرده یکبار در پدو انقلاب و بار دیگر در جریان کشف کودتای نوزده دستگیر و زندانی شد، سپس با دادن قول همکاری به فرماندهی ژاندارمری کردستان منصوب گردید و تا کنون چنانچه بسیاری مرتکب شده است. سرهنگ بهرام پور از نزدیکان و همکاران سرهنگ محری و سرهنگ زیبایی، روسای زندان قصر و بخش سیاسی آن بوده است. وی در چائی گفته است: هدف ما از همان آغاز مخالفت با توده ایها و نفوذ شوروی در ایران بوده و الان هم در این راه مبارزه می کنیم.

### قد توجون میده برای جبهه

در مدارس راهنمایی، دبیرستان ها، همواره دانش آموزانی که قد بلندترند و یا چته قوی تری دارند در خطر اعزام به جبهه هستند. عوامل رژیم می کوشند تا چنین دانش آموزانی را با ترفندهای مختلف بغربینند و روانه جبهه کنند. موارد زیادی دیده شده که دانش آموزان مورد نظر - در برابر تقسیم عوامل رژیم - از شرکت در امتحانات ثلث محروم شده اند. معلم دینی یکی از مدارس تهران وقتی به شاگردان بلندقد می رسد، می گوید: "قد توجون میده برای جبهه. همین روزها نویت توست".

### مهمانداران زن در "هما"

پدنهال تغییر رئیس هواپیمایی جمهوری اسلامی، فشار به مهمانداران زن بیشتر شده است. اخیراً به سر مهمانداران زن در "پوشینگ ۷۴۷" که سابقه طولانی در خدمات پروازی دارند دستور داده شده که بعنوان مهماندار ساده به هواپیماهای "۷۰۷" بروند و از ارتقاء مهمانداران به سر مهمانداری جلوگیری می شود.

### درگیری بر سر فرماندهی سپاه

موج درگیری بر سر قدرت در سپاه بالا گرفته است. اغلب فرماندهان سپاه مخالفت خود با محسن رضائی را پنهان نمی کنند، اما فرمانده سپاه از حمایت قاطع خمینی و خامنه ای برخوردار است. مخالفان رضائی بویژه در جبهه ها، خواهان روی کار آمدن رحیم صفوی، یکی از فرماندهان سپاه هستند که از نزدیکان منتظری است.

### جهان بکام کاسه لیسان

در پلبشوی پیمانان تهریز گروهی از کاسبکاران در روستاهای اطراف، از جمله اسکوه، په نان و نوایی رسیدند. کرایه یک اتاق بین سه تا چهار هزار تومان، یک عدد تخم مرغ بین ۸ تا ۱۵ تومان، نان لواش هر عدد ۲ تومان ... بقول معروف تغاری بشکند ماستی بریزد جهان گردد بکام کاسه لیسان.

### رشوه خواری

رشوه خواری رسمی به امری رایج تبدیل شده است. برخی از کمیته ها برای آن که یک جشن عروسی برگزار گردد و "برادران" مزاحمتی ایجاد نکنند، سی هزار تومان رشوه طلب می کنند.

\*\*\*

## درگیری بر سر...

حمایت جناح معینی از حاکمیت به خیابانهاریخته بودند و هدف نیز جلب توجه شخص خمینی بوده است.

۲۵ فروردین ماه، خمینی طی سخنرانی مفصلی به وجود اختلاف بر سر جنگ اعتراف کرد. وی از جمله گفت: "آنهاست که به هر بهانه ای می خواهند مهلت برای صدام بگیرند، اخیراً با هم متشبه شده اند به این که در ماه مبارک آتش بس باشد". خمینی بدون اینکه نامی از کسی ببرد، خواست آتش بس "در ماه مبارک" را بشدت مورد حمله قرار داد و اظهار داشت: "دسیسه ها برای ایجاد اختلاف است و شما توجه داشته باشید که یک کلمه اختلاف آمیز از گناهان بزرگی است که مشکل است خداوند تبارک و تعالی بیامرزد. چه این کلمه صادر بشود از دشمنهای ما، چه این کلمه صادر بشود از دوستان ما و چه از اشخاصی که ادعای قداست می کنند و چه از اشخاصی که این ادعا را ندارند".

گفته های صریح خمینی نشانگر آن است که اختلاف در میان جناحهای گوناگون در حاکمیت - یا بگفته خمینی میان "دوستان" - بر سر قدرت به مسئله ضرورت ادامه جنگ و بی پایان دادن به آن نیز منجر شده است. مسئله ای که تا چندی پیش حتی کسی جرأت اظهار نظر در آن باره را نداشت.

آنچه در این میان جلب نظر می کند عدم قاطعیت خمینی است. وی که همیشه مخالفان نظرات خود را با تهدید سرکوب کردن هر "فرد و گروهی" مخاطب قرار می داد، این بار طرح کنندگان پیشنهاد آتش بس را در برابر خداوند مسئول و پاسخون دانست. او گفت: "آنهاست که ما را دعوت می کنند به صلح و سازش در محضر خدا هستند و باید جواب بدهند".

بدینسان اختلافها و مبارزه بر سر قدرت که با افشای ماجرای "ایران گیت" حادث شده بود، وارد مرحله جدیدی می شود. از هم اکنون می توان گفت که خمینی قادر نخواهد شد از تعمیق این اختلافها جلوگیری کند. باید خاطرنشان ساخت، گر چه رفسنجانی و همراهانش به مثابه اهرم اصلی در سازش پشت پرده با امپریالیسم آمریکا به کمک خمینی توانستند با دستگیری گروه مهدی هاشمی و سازمان دادن شو تلو بیرونی که طی آن مسئله منسوبیت برخی از افراد این گروه با منتظری در مرکز آن قرار داشت، ضربه محسوس به منتظری وارد آورند، اما افشای ماجرای "ایران گیت" بویژه منجر به تضعیف موضع شخص رفسنجانی نیز گردید.

جو حاکم در جامعه تأثیر مهمی در تشدید اختلافها در هرم حاکمیت دارد. باید از همه امکانات برای افشاکریهای سیاسی به قصد نشان دادن ماهیت ضد خلقی رژیم بهره گرفت. این امر، حضور داشمی و هر چه بیشتر رفقای حزبی رادرمیان مردم در دستور روز قرار می دهد. باید با مراعات همه جانبه اصل پنهانکاری، شعارهای روز، یعنی خواست مقطعی زحمتکشان را از طریق بخش تراکتها و شننامه ها و ... تبلیغ کرد. زحمتکشان خواهان کار، نان، مسکن، آزادی و صلح هستند. این شعار می تواند در بسیج توده های زحمتکش نقش مهمی ایفا کند.

## اتحاد شوروی به تولید سلاحهای شیمیایی

را خاطر نشان ساخت، البته بشرط رعایت کامل بیمان دفاع ضد موشکی و کشانده نشدن مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی. او همچنین به ضرورت رعایت کامل اصل تجدید "سیستم های دفاع موشکی" و خودداری از کشاندن مسابقه تسلیحاتی به فضا اشاره کرد.

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی این سؤال را مطرح ساخت: آیا وقت آن نرسیده است که در صلح وزیران خارجه کشورهای شرکت کننده در "کنفرانس امنیت و همکاری اروپا" گفتگوهای همه جانبه درباره کاهش سلاح های هسته ای تاکتیکی، نفرات و جنگ افزارهای سنتی آغاز شود؟ بنظر رفیق کارباچف، در یک چنین گردهمایی همچنین می توان درباره تقلیل روبروایی نظامی و جلوگیری از حمله غافلگیرانه به گفتگو نشست.

او اعلام کرد که اتحاد شوروی به تولید سلاح های شیمیایی پایان بخشیده و نابودسازی

ذخیره موجود را تدارک دیده است. میخائیل گارباچف در سخنرانی خود در پراگ "استقلال احزاب، مسئولیت خاص آنها در قبال خلق خویش و حق تام آنها در حل مسائل مربوط به تحول کشور خود" را "اصولی بدیهی" خواند. از سوی دیگر، کارباچف در دیداری با جورج شولتز، وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا، در روز ۱۴ آوریل در مسکو گفت: اتحاد شوروی آماده است "در مدت زمانی نسبتاً کوتاه و معین به نابودسازی موشکهای ابرتایف - تاکتیکی خود دست زند".

بگفته رفیق کارباچف، حال که دولت آمریکا خود را به "اس. دی. آی" (باصطلاح "ابتکار دفاعی استراتژیک") موظف کرده و نیز اتحاد شوروی مخالف هر گونه وقفه در روند گفتگوها درباره خلع سلاح است، به سازش در این زمینه آماده است - البته بشرط آنکه به مرحله پژوهش بسنده شود.

## گفته‌ها و نوشته‌ها

### لطفاً اجازه بدهید غارت کنند

آیت اله ساعی:

"از قره" قضایه می‌خواهم که در مورد تهیه این موادی که در پیمانگاه سازی دخیل است اکنون که زمان جنگ است اجازه دهند که اگر کسی چینی را زیاده دارد به بازار عرضه کند. از کمیته محترم و شهربانی می‌خواهم غضب بصر نموده و ندیده بگیرد زیرا فعلاً چنان مردم در خطر است. بگذارد موادی که لازم است عرضه شود از عرضه کردن نترسند. از دادستانی و دادسرا می‌خواهم در اخس شبهه کند.

از کمیسیون قضایی مجلس می‌خواهم تذکر بدهد. برای من نقل کردند که بعضی‌ها این مواد را دارند و ممکن است خود با ارز آزاد تهیه کرده‌اند، می‌ترسند که در صورت آوردن در بازار بعنوان محترک او را دستگیر کنند. ممکن است در این بین آدم‌های محترک هم باشد. ممکن است در اینها آدم‌های بد هم باشد. اما یک مقدار فعلاً باید ارفاق شود. دادسرا خیلی راحت می‌تواند چشمش را روی هم بگذارد. کمیته می‌تواند... فشارها را روی منافقین و مواد مخدر بیاورد. در رابطه با ساختن و مهمات الان ما یک مقدار موادی لازم داریم که بعضی‌ها دارند. صاحبان صنایع می‌گویند بعضی‌ها دارند اما احتکار کرده است. خوب جرم است. من نمی‌گویم جرم نیست. جرم و گناه است. بگذاریم او این گناه را مرتکب شود برای حفظ جان و برای دفاع از اسلام همه ما هم موافقم که در حد توانمان کوشش کنیم. از مسئولین بپرسیم و برای خودمان سنگرها تهیه کنیم که این حمله اخیر و راه چاره اخیر دشمن را هم بحول قوه الهی مثل همه راههای فریبکارانه اش ببندیم. امیدوارم خداوند به همه ما توفیق دفاع از اسلام عزیز و از قرآن کریم را عنایت فرماید. (دعا)"

"رسالت" ۱۳ اسفند ۶۵

### نمونه يك قانون انقلابی

"ماده ۱ - کسانی که عالماً لیبها و ناشانه‌مانی که علامت مشخصه گروههای ضد اسلام با انقلاب است تولید کنند یا وارد کنند و با بفروشد و یا در ملا عام و انظار عمومی از آنها استفاده نمایند مجرم شناخته می‌شوند و البسه و اشیاء مذکور در حکم قاچاق محسوب می‌شود؛  
تبصره - نشانه‌های مذهبی اقلیت‌های دینی رسمی برای پیروان این ادیان از شمول این قانون مستثنی است.

ماده ۲ - مجازات تعزیری تولید کنندگان داخلی و وارد کنندگان و فروشندگان و استفاده کنندگان البسه و نشانه‌های مذکور در ماده ۱ شرح زیر خواهد بود:

۱- موعظه و نصیحت

۲- توبیخ و مرزوش

۳- تهدید

۴- تعطیل محل کسب بحدت سه ماه تا شش ماه در مورد فروشندگان و جرمه نقدی از ۵۰۰ هزار ریال تا یک میلیون ریال در مورد وارد کننده و تولید

کننده و ۱۰ تا ۲۰ ضربه شلاق یا جرمه نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال در مورد استفاده کننده.

۵- لغو پروانه کسب در مورد فروشنده و ۲۰ تا ۴۰ ضربه شلاق یا جرمه نقدی از ۲۰ تا ۲۰۰ هزار ریال در مورد استفاده کننده.

ماده ۴ - کسانی که در انظار عمومی وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا متک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح محاکمه حسب مورد به یکی از مجازاتهای مذکور در ماده ۲ محکوم می‌گردند."

مذاکرات مجلس (جمهوری اسلامی ۹ فروردین ۱۳۶۶)

### "جشن تکلیف"

در دبستانهای دخترانه برای دختران ۹ ساله - دانش آموزان کلاس سوم دبستان - جشن تکلیف گرفته می‌شود. موسی، نخست وزیر ۱۰، که در چنین مراسمی شرکت کرده بود گفت: برگزاری چنین جشنی در مدارس، سنتهای نیکو و پدیدماندنی است که امید است این مراسم در همه مدارس کشور متداول گردد. "جشن تکلیف که در حقیقت جشن یادآوری و وظائف الهی نوجوانان است، آغاز شناخت نسبت به وظائف الهی است. از همینجاست که مبارزه و مقاومت در ملت مسلمان ریشه پیدا می‌کند و استحکام می‌یابد."

"اطلاعات" ۹ اسفند ۶۵

### "تلغن به خط ارتباطی"

"گوشت ۱۲ تومانی اغلب بدست افرادی می‌رسد که فرصت بیشتری دارند و به محض عرضه گوشت تازه داخل صف جای می‌گیرند. قشر کارمند از تهیه گوشتی به علت اشتغال محروم است... لذا از سازمان گوشت کشور و دیگر دستگاههای مربوطه تقاضا دارد گوشت ۱۲ تومانی را از طریق کوپن توزیع کند که همه به نسبت مساوی از آن استفاده کنند از طول صفها نیز کاسته شود" ("اطلاعات" ۲۶ اسفند ۶۵) و خریدار مجبور نشود آن را از بازار آزاد به قیمت کیلویی ۲۵۰ تومان بخرد.

## بیکاری در ...

مواقف آمارهای داده شده مربوط به سال ۱۹۸۵، بیشترین رقم بیکاری - نزدیک به ۷۳ درصد - مربوط به کستاریکا است. در میان کشورهای صنعتی درشت ترین رقم بیکاری در میان جوانان را ایتالیا بخود اختصاص داده است. ۶۰ درصد جوانان ایتالیا بیکارند. این تحقیقات نشان می‌دهد که کمترین ارقام مربوط به بیکاری جوانان متعلق به فنلاند و یونان است که شامل ۲۴ درصد جوانان آماده برای

## اخراج پناهندگان سیاسی را محکوم می‌کنیم

اخراج پناهندگان سیاسی از کشورهای مختلف سرمایه‌داری و تحویل آنها به کشور متبوع خود، پدیده نوظهوری نیست. در ماههای اخیر خبرهای متعددی در این زمینه منتشر شده است.

از جمله اخیراً یکی از روزنامه‌های سوئدی خبر می‌دهد: یک زن و شوهر پاکستانی که همراه با دو فرزندشان به سوئد رفته و تقاضای پناهندگی کرده بودند، از این کشور اخراج و با هواپیما به پاکستان اعزام شدند. این در حالی بود که صرفنظر از خطر دستگیر شدن مرد، همسر وی آبلتن بود و پزشکان سوئدی سفر او با هواپیما را خطرناک تشخیص داده بودند.

سرپرست خانواده یاد شده که در حزب مردم پاکستان فعال بوده و در زمینه انتشار یک روزنامه مخفی سیاسی با این حزب همکاری می‌کرده است، به مجرد آن که وارد خاک کشورش شد دستگیر و روانه زندان گردید.

در شرایطی که در کشورهایی همانند ایران و پاکستان نیروهای انقلابی و مترقی تحت شدیدترین پیگردها قرار دارند و ناگزیر از ترک کشورشان و پناهنده شدن به دیگر کشورها می‌شوند، کشورهایی مثل سوئد که درباره دفاع از دموکراسی در کشورهای تحت ستم بسیار داد سخن می‌دهند، دست به چنین رفتارهای خلاف انسانی می‌زنند، همچنین این کشورها چنین تبلیغ می‌کنند که برای خانواده‌ها، پویزه زنان و کودکان، اهمیت فوق العاده‌ای قائل هستند، با این حال برخلاف قوانین بین المللی یک زن حامله را به زور سوار هواپیما می‌کنند و به کشورش می‌فرستند.

ما اخراج پناهندگان سیاسی را شدیداً محکوم می‌کنیم و از بشریت مترقی در همه کشورها می‌طلبیم تا با دفاع از حقوق این انسانهای شریف که اغلب به چرم دفاع از آزادی و حقوق زحمتکشان تحت پیگرد قرار گرفته‌اند، تلاش دولت‌های ارتجاعی برای اخراج و تحویل آنان به کشورشان را خنثی سازند.

کار می‌گردد.

تهیه کنندگان این گزارش پژوهشی یاد آور شده‌اند که در مورد آفریقا که به احتمال قوی وضع در آنجا از همه جا نگران کننده‌تر است، آماری در اختیار ندارند.

پیش‌بینی‌های سازمان بین‌المللی کار از نتایجی که در گزارش پژوهشی آمده بسیار بدبینانه‌تر است. موافق این پیش‌بینی‌ها، رقم جوانان بیکار که در سال ۱۹۸۵ حدود ۷۵۵ میلیون بوده، در سال ۲۰۲۵ به حدود یک میلیارد ۱۱۷ میلیون خواهد رسید.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

## زمین زیرپای پینوشه می لرزد

هفته گذشته، همزمان با دیدار پاپ، پیشوای کلیسای کاتولیک از شیلی، مردم این کشور با برپا کردن تظاهراتی وسیع، بار دیگر محکوم به سقوط بودن رژیم فاشیستی پینوشه آمریکائی را به روشنفکرین صورت ثابت کردند. هدف اصلی از سازمان دادن دیدار پاپ، کاستن از فشار توده‌های رژیم دیکتاتوری با سو استفاده از باورهای مذهبی‌شان و راضی کردن آنان به پذیرفتن راه‌حلی بود که نیروهای مترقی سیاسی را از شرکت در تعیین سرنوشت کشور حذف کند و بدینسان راه سازش میان احزاب و گروههای مذهبی و دیکتاتور خونخوار را که بنام مبارزه با الحاد بزرگترین جنایات را علیه خلق آزادی دوست و بیکارجوی شیلی مرتکب شده است بکشاید.

اما مردم شیلی بسیار بیش از آنچه که امپریالیسم آمریکا و دستیاران رنگارنگش تصور کرده‌اند از آگاهی طبقاتی برخوردارند و بهمین جهت علیرغم وسوسه‌ها، اراده خلل‌ناپذیر خود را به پیکار در راه آزادی و عدالت اجتماعی قطع نفوذ امپریالیسم دگرپار بگونه‌ای روشن نشان دادند.

هنوز بیش از آغاز دیدار پاپ از شیلی جو سیاسی در این کشور برنقش شده بود. بازگشت شجاعانه کلودومیر و آلمیدا، رهبر حزب سوسیالیست شیلی و هم‌رزم سالوادور آلنده رئیس جمهور خلقی به کشور و سپس دستگیری و تبعیدش چه یکی از مناطق جنوبی شیلی و قصد محاکمه او به "کننا" بازگشت بدون کسب اجازه از حکومت غیرقانونی کودتائی به میهن خود و کمک به تروریسم، نشان داده بود که اوضاع برای دیکتاتور و کسانتی که قصد کمک به او را دارند مساعد نیست.

جنبش اعتراضی نسبت به دستگیری کلودومیر و آلمیدا در داخل کشور که موجب تشدید فزاینده حرکات انقلابی در شیلی شد نیز موج نرومند همبستگی گسترده بین المللی با مردم شیلی که در رأس آن احزاب کمونیست و سوسیالیست و کارگری و نیروهای مترقی قرار دارند، پینوشه را هراسان و مجبور کرد که مجدداً ماسک "اعتدال" را از چهره بردارد و برای خاموش ساختن جنبش تمام نیروهای اهریمنی خود را به جان توده‌های از جان گذشته بیندازد.

در واقع هم برای دیکتاتور آمریکائی شیلی، بی‌جز نیروهای مسلح و پلیس، امپریالیسم آمریکا و "مصلحانی" نظیر پاپ دیگر کسی باقی نمانده است که از او حمایت کند. ولی تردید نباید داشت که خلق شیلی با تکیه بر اتحاد و پیکار دلاورانه خود در آینده‌ای نه چندان دور به پیروزی خواهد رسید و لکه ننگ این دیکتاتوری خونین فاشیستی متقاهر به مذهب را از دامن مردم شیلی که همیشه به داشتن سن دمکراتیک در آمریکای لاتین شهرت داشته‌اند، خواهد زدود.

## پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کنگره ۲۸ حزب کمونیست دانمارک

### \* شما در تحکیم جنبش صلح نقش بسزائی دارید!

رفقای ارجمند، کمیته مرکزی حزب توده ایران، بنام کمونیستها و طبقه کارگر کشورمان، درودهای رزمی و انقلابی خود را به نمایندگان کنگره بیست و هشتم حزب کمونیست دانمارک تقدیم می‌دارد. کنگره حزب شما هنگامی برگزار می‌شود که کمونیستهای دانمارک با وظایفی بس مهم، چه در داخل و چه در گستره بین‌المللی، روبرو هستند.

لحظه فوق‌العاده بر اهمیت و چه بسا تعیین کننده کنونی ایجاب می‌کند که مردم سرسردنیا برداشتن گامهای عملی در راستای پیدایش جهانی ببری از جنگ‌افزارهای هسته‌ای و فرام آوردن امنیت برابر برای همه کشورها را قاطعانه خواستار شوند. حزب ما بخوبی می‌داند که حزب کمونیست دانمارک چه سهم بزرگی در توان بخشیدن به جنبش صلح کشورتان بازی کرده است. "کنگره جهانی سال بین‌المللی صلح"، که چندی پیش در پایتخت دانمارک برگزار شد، تازه‌ترین گواه بر این مدعاست. ادامه گسترش جنبش ضد "جامعه اقتصادی اروپا" در دانمارک یکی دیگر از ثمرات فعالیت خستگی‌ناپذیر شماست. فراتر از سال گذشته درباره حدود اختیارات "بازار مشترک" بار دیگر مخالفت جدی مردم دانمارک را در این زمینه به ثبوت رسانید. ما برای مبارزه حزب کمونیست دانمارک در راه پاسداری از استقلال دانمارک اهمیت ویژه قائل هستیم.

درست هنگامیکه دولت دانمارک پارشته‌ای از لوابح جدید برای تحمیل سیاست اقتصادی ارتجاعی خویش تلاش می‌ورزد، حزب کمونیست دانمارک با طرح پیشنهادهای سازنده نشان می‌دهد که همواره منافع زحمتکشان دانمارک را مدنظر

### پیام تسلیت به

### کمیته مرکزی حزب کمونیست دانمارک

رفقای عزیز، با اندوه فراوان از مرگ نابهنکام رفیق یورگن یسن، صدر حزب کمونیست دانمارک آگاهی یافتیم.

بنام اعضا و هواداران حزب توده ایران این ضایعه دردناک را به شما همه کمونیستهای دانمارک و بستگان رفیق یورگن یسن تسلیت می‌گوئیم. ما یورگن یسن را میهن پرست و انترناسیونالیستی سرگ شناخته ایم، که در همه لحظات زندگی خود در راه موفقیت حزب کمونیست دانمارک، تحکیم وحدت عمل طبقه کارگر، صلح، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی گام برداشت.

خاطره مبارزات رفیق یورگن در قلبهای کمونیستهای ایران همواره جاودان خواهد بود.

با درودهای کمونیستی

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دارد.

رفقای عزیز،

حزب توده ایران از همبستگی پایدار شما با پیکار حزب ما علیه جنگ و اختناق بس سپاسگزار است. ما بار دیگر شما و افکار عمومی مترقی دانمارک را فرا می‌خوانیم، تا از هیچگونه کوششی در راه اعتراض به ددمنشی‌های رژیم جمهوری اسلامی دریغ نورزید. ما هشدار می‌دهیم که ارگانهای سرکوبگر جمهوری اسلامی بار دیگر جنایتی خونین را تدارک می‌بینند، که قربانی آن رفقای در بند ما هستند.

زنده باد حزب کمونیست دانمارک!

پیروز باد مارکسیسم - لنینیسم انترناسیونالیسم پرولتری، امر مشترک ما!

با درودهای کمونیستی،

کمیته مرکزی حزب توده ایران

### کمکهای مالی رسیده:

رفقای اوملو به یاد رفیق کی منش ۲۵۰۰ کرون  
رفقای استکهلم به یاد رفیق کی منش ۲۴۰ کرون  
جمع آوری در جمع رفقای آلمانی در فرانکفورت ۲۰۰ مارک  
هواداران حزب در فرانکفورت ۳۳۰ مارک  
گروهی از دوستان حزب در اطریش ۲۰۰ شلینگ  
مریم کوچولو، ساکن اطریش پس انداز ماهانه اش را به حزب داد ۱۲ شلینگ  
کمک به خانواده زندانیان سیاسی:  
آهواز کلن یک حلقه انگشتری طلا

## بیکاری

## در جهان سرمایه داری

در یک گزارش پژوهشی که اینروزها سازمان بین‌المللی کار در ژنو منتشر کرد گفته می‌شود: چه در کشورهای صنعتی پیشرفته سرمایه داری و چه در کشورهای در حال رشد، بیکاری بیش از همه به نسل جوان لطمه می‌زند. تقریباً نیمی از بیکاران را در کشورهای که مورد پژوهش قرار گرفته‌اند جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله تشکیل می‌دهد. بویژه در کشورهای در حال رشد، امکان یافتن کار فوق‌العاده ناچیز است.

تلفیه در ص ۷

## جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است

NAMEH P.B. 49034  
MARDOM 10028 Stockholm 49  
Nr. 151 Sweden

21 April 1987